

نسیم آصف‌زاده؛ به‌تازگی سه کتاب در «مجموعه نمایش‌نامه» نشر فرهنگ جاوید به چاپ رسیده‌اند که هرسه در سال‌هایی دور به فارسی ترجمه شده بودند. سه نمایش‌نامه‌ای که به‌تازگی بازنشر شده‌اند، آثاری کلاسیک و ارزشمندند و جزاین، با ترجمه‌هایی درخشان به فارسی برگردانده شدند که اهمیت این سه کتاب را دوچندان کرده است. در ادامه مروری کوتاه بر این نمایش‌نامه‌ها را می‌خوانید.

در اسارت و رهایی انسان

«پرومته در زنجیر»، عنوان نمایش‌نامه‌ای است از اشیل (آیسخولوس) که نخستین‌بار در سال ۱۳۴۲ با ترجمه شاهرخ مسکوب از سوی انتشارات اندیشه منتشر شد و تا اوایل دهه ۵۰ دوبار دیگر به چاپ رسید. مسکوب در چاپ آخر کتاب، تغییراتی اندک در مقدمه خود و متن ترجمه اعمال کرده بود و تجدیدچاپ تازه کتاب بدون اعمال تغییر دیگری در متن کتاب منتشر شده است. البته ویراستار کتاب تغییراتی در کتاب اعمال کرده که این تغییرات شامل مواردی مثل اعراب‌گذاری مفاهیم و اسامی اسطوره‌ها و اصلاح جافنادگی‌های متن و… است و در ساختار جملات و سبک نگارش نمایش‌نامه هیچ تغییری صورت نگرفته است. اشیل نخستین تراژدی‌نویس بزرگ است که نود تراژدی نوشت اما تنها هفت تراژدی از بازمانده است. مسکوب «پرومته در زنجیر» را از روی ترجمه انگلیسی رکس وارنر به فارسی برگردانده و با ترجمه انگلیسی گیلبرت موری و ترجمه فرانسه پل مازون مقایسه کرده است. «پرومته در زنجیر» از مهم‌ترین و مشهورترین تراژدی‌های یونان باستان است و به نبرد انسان و خدا مربوط است. مسکوب در مقدمه‌ای با عنوان «در اسارت و رهایی انسان» درباره این نمایش‌نامه نوشته: «رهایی آدمی در اسارت ایزدان است. انسان اساطیری یونان باستان در جهانی پسر می‌برد سرباز از ایزدان گوناگون خویشتن‌کام. یکی فرمانروای آسمان و زمین است با سلاحی چون آذرخش که بر هرچه فرود می‌آید بی‌درنگ می‌سوزد. یکی ایزد عشق است که سلطان هوسکار قلب‌هاست. و آن دیگری پادشاه وادی تاریک و خاموش فراموشان است که هرگز کسی را در دام او رهایی نبوده است. زادن و مردن آدمی در دست‌های بی‌رحم تقدیر تواناتر از

رستاخیز کلمات: در مرگ قاسم هاشمی‌نژاد

آینه‌های روبه‌رو

سرّوش مظفر مقدم

چون آدم‌ند به خود نیز رود نخست این رفتن بی‌مراد غمیست درست…

خیام

ژاک لاکان از دو گونه مرگ می‌گوید: مرگی فیزیکی و مرگی نمادین. مرگ فیزیکی یا واقعی دیر یا زود واقع می‌شود، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است. اما مرگ نمادین زمانی پس از مرگ واقعی رخ می‌دهد: فراموشی. در مورد بسیاری، مرگ نمادین پیش از مرگ نخست رخ می‌دهد و با زوال حافظه تاریخی و فرهنگی، شخص پیش از آن‌که به‌واقع مرده باشد، مرده است؛ تراژدی فرهنگ و تاریخ ما به‌خصوص در دوران معاصر، همانا فراموشی است. قاسم هاشمی‌نژاد قریب به هفتاد سال در میان ما زیست. بخشی از عمرش را در سایه به‌سر برد و جز مقالات و چند کتابی که در فواصل زمانی طولانی از او منتشر شد، سر و صدای دیگری نداشت. وقتی سعی می‌کنم هاشمی‌نژاد را به‌خاطر آروم نخست نام چنین کتاب از او به ذهنم خطور می‌کند: «فیل در تاریکی»، «خیرالنساء»، «بوته در بوته»، «سیمی و دو آئینه». چیزهایی که خوانده‌ام و هاشمی‌نژاد را از درجهٔ آن می‌شناسم. عمدتاً پس از مرگ هنرمندان و اشخاص تأثیرگذار فرهنگی، ویژه‌نامه‌های منتشر می‌شوند و یادنامه‌هایی سروسامان می‌گیرند که بیش‌تر رنگ سوگ و گرامیداشت دارند. اما برای قاسم هاشمی‌نژاد حتی پس از مرگش نیز چنین نشده است. شاید دلیل اصلی، دوربودن او از همه مناسبات و رابطه‌ها در دوران حیاتش باشد. چیزی که امروز و البته برای نسل امروز واجب است - شناخت هنرمند است. مرگ البته توان نابودی کلمات را ندارد آنچه در زبان تثبیت شده نابودشدنی نیست. پس می‌توان مرگ را به چیزی نگرفت. شاید هم نقطه آغازی باشد. چنان‌که مرگ قاسم هاشمی‌نژاد می‌تواند نقطه شروعی باشد برای شناخت بیشتر او، خواندن نوشته‌هایش و برقراری مناسبتی دو سویه میان ما و انبوهی از کلماتی که از او به‌جای مانده‌اند.

یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی قاسم هاشمی‌نژاد، انتشار رمان «فیل در تاریکی» است. این رمان که در زمانه پرآشوب انقلاب بهمن ۱۳۵۷ منتشر شد و به‌دلیل شتاب حوادث سیاسی و اجتماعی وقت، چندان دیده نشد. جدای از آن‌که تا آن زمان اثری جدی در ژانر پلیسی و معمایی در ادبیات فارسی خلق نشده بود، «فیل در تاریکی» را می‌توان شاخصی روشن و دقیق از وضعیت تاریخی و اجتماعی دهه پنجاه خورشیدی نیز محسوب نمود. آثار داستانی بعدی قاسم هاشمی‌نژاد معدودند. «خیرالنساء» با فاصله‌ای حدود پانزده سال، در بهار ۱۳۷۲ منتشر شد. این داستان بلند که سرگذشت و نسب‌نامه خانوادگی هاشمی‌نژاد بین به‌شمار می‌آید، به‌لحاظ نثر، قصه‌گویی، جریان داستانی و شخصیت‌پردازی، به‌روز در نوع خویش منحصربه‌فرد است و گرایش‌های هاشمی‌نژاد به عرفان ایرانی در آن برجسته شده است. هاشمی‌نژاد تنها داستان‌نویس نیست. در طول سالیان عزلت‌نشیني اجباری و به کنج خلوت و انزوا خزیدن، بی‌کار نشسته است. تحقیق و پژوهش، بارخوانی متون کهن و سرودن شعر، به دغدغه‌های همیشگی و به‌روز او تبدیل شده. انتشار کتاب‌هایی چون «بوته در بوته» و «سیمی و دو آئینه»، گواه این تلاش است. بنابراین به جرات می‌توان گفت که او هنرمندی چندوجهی است و در همه این وجوه توانسته آثاری قابل‌تأمل خلق کند. چیزی که کمتر کسی بدان قادر است. انزواي طولانی قاسم هاشمی‌نژاد علاوه بر اینکه شخصیت هنرمندش را از بسیاری جریان‌های مخرب و مبتذل دور می‌کند، تداعی‌کننده مفهوم مرگ مؤلف است؛ بسیاری از

از یونان باستان تا برشت



ایزدان است. خدایان بسیاریند و انسان هوشمند در این دنیای بی‌پناه، سرگردان است. آزادی او در محدودیت ایزدان است و ایزدان هرگز بر انسان نمی‌بخشایند. انسان است که باید با ستیزه‌ای سخت راهی بخشاید تا گامی بردارد…».

جهان‌تزییر

«دکتر کنوک یا پیروی پزشکی» عنوان نمایش‌نامه‌ای است از ژول رومن که سال‌ها پیش با ترجمه محمد قاضی به فارسی منتشر شده بود و این‌روزها چاپ دیگری از آن توسط نشر فرهنگ‌جاوید منتشر شده است. ژول رومن نویسنده مشهور فرانسوی است که در نمایش‌نامه «دکتر کنوک»، تصویری از طمع و تزویر جهان به دست داده است. در توضیح پشت‌جلد کتاب درباره فضای این نمایش‌نامه آمده: «نمایش‌نامه دکتر کنوک ما را به جهانی پرتاب می‌کند که تزویر و طمع از اصول پذیرفته‌شده آن است. آدمی در دستان دکتر کنوک، که نماد دست نامرئی و بازیگر پشت پرده است، بدل به موجود ساده‌لوحی می‌شود که می‌توان او را با خنده‌ها و لبخندها به دنیایی خیالی و پراوهم‌کشاند و خلغ‌سلاحش کرد و همچون ابزاری به‌کارش گرفت. زودبوری آدمی شاکله نمایش‌نامه است و نویسنده با چیره‌دستی نشان می‌دهد که چگونه فریب مردم به خودکامگی فردی منتهی می‌شود که از رهگذر آن به‌راحتی می‌توان

ادبیات

متحدان و ریزه‌خوارانی برای خود دست‌وپا کرد و فریب‌خوردگان را در جهل مطلق سرمست گرداند. این کار همانا رام کردن ساده‌لوحان است به دست نیرنگ‌بازان».

پرچم سیدزّان‌دارک

«محاکمه ژان دارک در روان» نام نمایش‌نامه‌ای است از پرتولت برشت که توسط عبدالله کوثری به فارسی ترجمه شده و به‌تازگی چاپ مجددی از آن در نشر فرهنگ جاوید منتشر شده است. این نمایش‌نامه اولین‌بار در سال ۱۳۵۴ توسط انتشارات توس منتشر شد و در همان سال به چاپ دوم رسید. این کتاب درواقع دومین کار کوثری در عرصه ترجمه به‌شمار می‌رود و بعد از این‌که کتاب در سال ۵۴ دوبار چاپ شد، برای چاپ بعدی کوثری تغییراتی در متن اعمال کرد و ویراست تازه‌ای از آن به دست داد. «محاکمه ژان‌دارک در روان»، نمایش‌نامه‌ای با شخصیت‌های متعدد است و اجرای آن در سال‌های پیش از انقلاب در ایران حکایتی عجیب دارد. در آن سال‌ها رکن‌الدین خسروی قصد داشته تا این نمایش‌نامه را به روی صحنه ببرد و بعد از ماه‌ها تلاش برای آماده کردن کار، سرانجام همه‌چیز آماده می‌شود و بلیت‌ها به فروش می‌روند اما در شب اول اجرای تئاتر، مأموران شهربانی به محل اجرا در دانشکده هنرهای دراماتیک می‌ریزند و اجازه اجرای نمایش‌نامه را نمی‌دهند. در توضیح پشت جلد کتاب درباره این نمایش‌نامه آمده: «در سال ۱۴۲۹ در هنگامه جنگ میان فرانسه و انگلیس، دختر روستایی هفده‌ساله‌ای که مدعی بود برخی از قدیسان او را به نجات میهنش فرمان داده‌اند، جامه رزم می‌پوشد و سپاه انگلستان را در پای دیوارهای لوار شکست می‌دهد. از آن پس به مدت دوسال پرچم سیدّ زان‌دارک برای فرانسویان نموبخش راهی و سرافرازی می‌شود. پیروزی‌های او مسیر جنگ را تغییر می‌دهد اما سرانجام به خاطر اختلافات داخلی و خیانت‌های برخی فرانسوی‌ها، ژان دارک اسیر می‌شود و حکم به سوزاندن او می‌دهند. برشت به سرنوشت این دختر هفده‌ساله علاقه زیادی داشته و دو نمایش‌نامه خود را با الهام از زندگی او نوشته است. «محاکمه ژان‌دارک در روان» اقتباسی است از نمایش‌نامه‌ای نوشته آنا سرگز که براساس اسناد معتبر محاکمه ژان دارک نوشته شده است.

دفتر شعرهای قاسم هاشمی‌نژاد در یک کتاب

قصه خوان همیشه

پار سا شهری

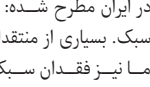
اتفاق مهلک و مخوفی که تـه دره می‌افتد کنار رودخانه، باعث می‌شود صدمه شدیدی به روحش وارد شود. با روح زخم‌دیده آمد. آمد. وقتی آمد کاملاً غی‌رعادی بود و هراسان، وحشت‌زده. مادر بزرگم، خیرالنساء حکیم، بی‌دست‌وپا بود برای نسبت به افراد خانواده و کسانی که دوستانش می‌داشت، نمی‌توانست معالجه‌شان بکنند. آن موقع فضای حاکم بر باور جامعه این بود که این‌جور بیماران را جز زده یا گرفتار روحی می‌دانستند که به دست غیر و غریبه تسخیر شده است.» و گویا کار به آینه‌بین و رمال می‌گشت و بعد از معالجات مرسوم هم نوبت به روان‌پزشکان می‌رسد و شوک الکتریکی. «بالاخره با عملیاتی که روی او صورت دادند یک شخص بی‌خاصیتی به ما تحویل داده شد – یک آدم نباتی. بریخوانی، درواقع یک‌جور توصیف شرایط عاطفی شاعر است در قبال آنچه رخ داده در زندگی این شاعر بدبخت». بعد از بریخوانی، هاشمی‌نژاد هنوز شعر می‌نوشت. آن‌طور که خودش می‌گوید، گرایش او به شعر گرایش طبیعی بود. «به دلیل اینکه تأثیر زبان در من شدید بود، تأثیر شعر در من زیاد بود.» هاشمی‌نژاد شعرهایی را که بعد از بریخوانی نوشته بود، می‌برد پیش بیژن الهی‌تا بخواند. «با هم نستیم نگاه کردیم. شعرها را در دو فصل دسته‌بندی کردیم. یک دور شعرها را با هم مرور کردیم و برخی پیشنهادهای آقای الهی را که با سلیقه من منطبق بود به جان و دل پذیرفتم. عنوان یک‌چهره در دو قاب هم پیشنهاد ایشان است. دریایی گذاشتند روی کتاب.» شعرهای «تک‌چهره در دو قاب» به‌نوعی تجربه فردی است که از خودش فرار کرده تا خود را بازنابا ادما وارد مدنیت شهر می‌شود. خود شاعر تفاوت دو دفتر شعرش، بریخوانی و تک‌چهره در دو قاب را در همین تجربه می‌داند. ازاین‌رو تک‌چهره در دو قاب را «باز یافت چیزهای از دست‌رفته یا به حسرت‌گذشته» می‌داند. «شور عاشقانه دیگر رسوب کرده، تن‌هین شده و آرام گرفته». بنابراین شاید شعرهای این دفتر آن شور بریخوانی را ندارند. آرام‌ترند. کتاب دوم، تک‌چهره در دو قاب، دو بخش دارد. بخش یک با بیست‌ویک شعر و بخش دو هفده شعر. شعرهای این دفتر در هر دو بخش، شعرهایی کوتاه‌اند که در سال ۱۳۵۸ منتشر شد. بعد از این شعرهاست که حال‌وهوای این مجموعه را به‌طور مختصر در خود دارد: «که/ شب برآمده بر دست / یا/ زود/ می‌نشیند/ زنگار». کتاب سوم، گواهی عاشق اگر بپذیرند، در سال ۱۳۷۳ نوشته شد در سه بخش. تجربه‌ای متفاوت با دو دفتر شعر پیشین او. درواقع این دفتر بازسازی تاریخ و هنگام ما است در زبان شعر، داستان‌هایی از تاریخ ما، از وقایع، حکمت‌ها و آدمهای برجسته و راه‌فراموش‌شد؛ خود شاعر نیز معتقد است بنا داشته «تاریخ فرهنگ در شعر» بنویسد. هاشمی‌نژاد در این دفتر شعر در قامت منتقد/ شاعر ظاهر می‌شود و ایده‌ای را مطرح می‌کند با عنوان «فکر شاعرانه». او معتقد است «شعر با فکر شاعرانه شکل می‌گیرد… فکر شاعرانه هر درک معرفتی و فرهنگی نیاز دارد.» ابتدای این دفتر، شعری هست با عنوان «آدم‌دک» که سبک و سیاق «گواهی عاشق اگر بپذیرند» را نشان می‌دهد: «بی‌نشستنی به انتخاب بخت/ پاینده سایه‌ها به رهگذار و در هوای ما -که بسته‌ایم به مرگ چنان که بسته‌ایم به سایه‌هایمان- / بال می‌کشاید این باز شوخ/ میان دو پرواز با میکند اکنون به شانه‌ام/ آری، خلاف نوشته، قصه آغاز جان می‌زند/ برین خاکدان هر چه بینی گفته‌ست؛ کیرم که در غلاف تازه شعله زند آتش طور،/ یا که ناخواسته بر خاک پا نها آدم/ دل‌ولپس هنوز آن خیال سبز؛ کیرم که بی‌اعتنا به قصه‌اش/ قصه‌ما همیشه در کار است. به مهر، یا به کینه، یا به رشک./ گاه صدامان می‌زند در باد، گاه به نام سرنوشت/ تقه‌ای بار در، به هشدارانم./ چشم‌بسته اما راه میرد ما را عشق،/ و برین بازی نگران از کمین‌گاه/ قصه‌خوان همیشه – ماه.»

۱. **شعر غزل حافظی**
از دفتر بریخوانی

عطف کتاب

از خصال سبک

«سبک به‌حکم تفرّد خود، تنها زمانی حکمت وجودی پیدا می‌کند که اثرآفرین فکر و احساس سازد. در یکی از اولین اسنادی که درباره پاپ‌آرت کند یا فکر و احساسی را که از آن خود کرده باشد و هم توانایی بهره‌جویی از امکانات بیانی درخور موضوع و نوع اثر را داشته باشد.» احمد سمیعی، مترجم و محقق مطرح با این جملات نظر خود را درباره مفهوم تاریخی «سبک» بیان می‌کند. او اخیراً مجموعه‌مقالاتی با عنوان «سبک و آراء فیلسوفان و سخن‌شناسان درباره آن» را به فارسی برگردانده است. این کتاب جدا از تذکار و درآمد دارای پنج بخش است. در تذکار، مترجم شرح جامعی از کتاب پیش‌رو به‌دست می‌دهد. اینکه کتاب گزارش و ترجمه‌ای است از کتابی درباره سبک که یکی از جلدهای مجموعه مفصلی است شامل رسالاتی در باب مفاهیم متعدد کلیدی که در فضای هنر و ادبی معاصر مطرح است و نظریه‌های متنوع و متفاوتی از روزگار قدیم تا امروز درباره‌شان ارائه شده است. در نظر سمیعی که خود مترجم آثار بسیاری از نویسندگان صاحب‌سبک بوده، هنرمند اگر بیانگر روح زمان به زبان خاص خود نباشد، فردیتی اصیل ندارد. انتخاب و ترجمه این اثر، جدا از آن‌که منبعی جامع و درخورتامل در باب مفهومی تاریخی و بنیادی در اختیار مخاطب ایرانی می‌گذارد، در وضعیت اخیر ادبیات ما حامل خلایق نیز هست که چندی است در نقد ادبی دیگر نقاط جهان و خاصه در ایران مطرح شده: ادبیات بدون سبک. بسیاری از منتقدان و مترجمان ما نیز فقدان سبک را از عوارض وضعیت ادبی در چند دهه اخیر می‌دانند و ترجمه‌ها را نیز به‌عنوان مت‌هایی شناسایی می‌کنند که در کار انتقال معنا هستند و نه در آوردن سبک. بنابراین ترجمه «سبک» در وضعیت اخیر ما از ترجمه‌ای صرف فراتر رفته و به ضرورتی می‌ماند که یکی از بهترین مترجمان ما آن را درک کرده است. این رویکرد را در تکه آخر تذکار می‌توان سراغ کرد: «بنابراین، کسانی را که آنچه بیان می‌کنند عاریتی و بازآفرینی باشد



سبک

هیچ‌های برنزی برای مردم عادی میسر نبود، به‌فکر تولید انبوه «هیج» ارزشناقص افتادم.» او قالب‌هایش را نیز آماده می‌کند و مشتاق فروش هیچ‌های پلاستیکی در مغازه‌ها و سوپرمارکت‌ها و در نهایت تأسیس کارخانه «هیج‌سازی» و صدور آن به همه دنیا می‌شود. این‌ت فکر و حتی ایده به‌نمرننشسته آن را باید از مفهومی‌ترین افکار تاریخ هنر معاصر به‌شمار آورد. اما «هیج» در کنار تاولی به همان پویایی و استمرار به حیات خود ادامه می‌دهد. امروز نهم‌تا «هیج» مشهورترین اثر پرویز تیرانی است، بلکه معروف‌ترین و جهانی‌ترین اثر تاریخ مجسمه‌سازی ایران است. پرویز تاولی در مجموعه آثار «مشاهیر عالم»، برخی از نمادین‌ترین مشاهیر جهان را همنشین «هیج»‌اش کرده است. این‌بار به اعتبار هیچ تاولی، این مشاهیر دیده می‌شوند. هیچ با آنها می‌ایستد، نمی‌نشیند، هم‌آغوش می‌شود، هم بازی می‌شود و هر دو با همه شهرتی که دارند، به «هیج» می‌گروند.

پاپ، از آن چیزی سخن می‌گوید که در اوج می‌تواند از معنی تهی شود. دیگر مهم نیست که این یک قوطی سوپ باشد یا تاج ملکه انگلیس، مهم نیست مانو باشد، یا میک جگر، مرلین مونرو باشد یا ناصرالدین‌شاه قاجار. پاپ جشن به شهرت‌رسیدن است و سوگ پایان‌پذیرفتن. هیچ‌ها تاولی در این آثار در عین زیبایی و شاعرانگی، با رنگ‌های شاد و تند از اوج شهرت خیر می‌دهند. نشاندن هیچی که مشهورترین و مهم‌ترین واژه هنری امروز است، در کنار برخی از مشهورترین سیاست‌مداران، هنرمندان، فلاسفه و دیگران، به ما می‌گوید و قاطعانه و تلخ می‌گوید که ای بی‌خبران شکل مجسم هیچ است.^{۱۱}

نمایشگاه «مشاهیر عالم»، جشن پنجاهمین سالگرد پاپ در ایران و پاپ ایرانی در جهان است که خشت اول آن به دست تاولی نهاده شد و اتفاقاً پنجاهمین سالگرد «هیج» پرویز تاولی نیز هست. این نمایشگاه ارزش و اهمیت تاریخی دارد و یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخ هنر معاصر ایران به‌شمار می‌رود. آنچه در تابستان ۲۰۱۵ در تیت مدرن، در لندن، نمایش داده شد، اینچیا و برای نخستین‌بار برای مخاطب ایرانی به تکامل درمی‌آید و اتفاقی است که بی‌هیچ تردید از آن با افتخار یاد خواهد شد.

پی‌نوشت:

۱- کریدهای از نقد کیرم امامی با عنوان Popper «Tanavoli Turns» چاپ شده در کیهان انگلیسی در هشتم نوامبر ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) با ترجمه مه‌ران مهاجر، برگرفته از مجموعه نقدهایی است که در دهه ۱۳۴۰، توسط زنده‌یاد کیرم امامی در روزنامه کیهان انگلیسی نوشته می‌شد و با اجازه گلی امامی (گردآورنده مجموعه) برای اینکاتالوگ، انتخاب شده است.
۲- کتاب مجموعه نقدها، توسط انتشارات نیلوفر در دست انتشار است.
۳- یکی از معتبرترین موزه‌های دنیا.
۴- The EY Exhibition: The World Goes East که از سپتامبر ۲۰۱۵ تا ژانویه ۲۰۱۶ برقرار بود.
۵- Martin Cook نوشته Maryam Eisler.
۶- چاپ شده در زبان فرنگی، مجموعه چاپ‌های پرویز تاولی و کتابی با همین عنوان، نوشته یاشار صمیمی مخفم برای بریتیش‌موزیم، ۲۰۱۵
۷- آتلیه کبود، نوشته پرویز تاولی، چاپ اول ۱۳۸۴
۸- همان.
۹- ریچارد همیلتون Richard William Hamilton (۱۹۲۲-۲۰۱۱) از پایه‌گذاران جریان اصلی پاپ
۱۰- نام به Alison and Peter Smithson در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۵۷
۱۱- آتلیه کبود، همان
۱۲- ای خبران از کیهان شکل مجسم‌هیج‌است / وین دایره سطح مخیم‌هیج‌است
خیم

ادامه از صفحه ۱۱

پاپ تمام‌عیار

تاولی هم‌زمان با آنچه در آمریکا اتفاق می‌افتاد به اهمیت آنچه مردم در زندگی روزمره‌شان خلق می‌کنند، پی برده بود. ریچارد همیلتون^۳ در یکی از اولین اسنادی که درباره پاپ‌آرت نوشته شده^۴ و بسیاری آن را بیابیه پاپ می‌خوانند، پاپ را چنین معرفی می‌کند «پاپ مردمی است، زودگذر است، مصرفی است، ارزان است، انبوه است، جوان است، طراز است، هیجان‌انگیز و سو‌تفاهم‌برانگیز است».

تاولی اما با تعریفی مشابه، پاپ ایرانی را در ۱۳۴۴ سال تبیین کرد و نشان داد. پاپ ایرانی مردمی، روایی، شاعرانه، منتقد، جسور، هیجان‌انگیز و سو‌تفاهم‌برانگیز است اما ریشه در ضرب‌المثل‌ها، مثل‌ها، باورها و آفریده‌های مردمی دارد. به‌غایت ایرانی است بی‌آنکه بخواهد متوسل به راه‌حل‌های همیشگی «من ایرانی هستم» شود.

در آن زمان نه‌تنها در پاپ‌بودن آثار او تردید بود، بلکه در هنربودنش هم شک بود. اما با گذر زمان، امروز آن نمایشگاه اولین جرقه پاپ، مهم‌ترین بیابیه پاپ و مهم‌ترین آثار پاپ در تمام طول ۵۰ سال اخیر در ایران و خاورمیانه شناخته می‌شود. پاپ ایرانی با هنر برگرفته از مردم، با تاولی در ۱۳۴۴ آغاز شد و ادامه پیدا کرد. به باور من، تاولی یک پاپ تمام‌عیار است، حتی اگر خودش مایل نباشد صرفاً پاپ آرتیست خوانده شود، اما ارتباط آثارش، از مجسمه، نقاشی، اسبیلژ و چاپ‌هایش گرفته تا تحقیقات و کتاب‌هایش، با هنر پاپ گره خورده است.

نمایشگاه «مشاهیر عالم» اولین نمایشگاهی است که پس از ۵۰ سال روی آثار پاپ تاولی متمرکز است. این نمایشگاه، درحقیقت جشن پنجاهمین سالگرد هنر پاپ در ایران است گویانکه ارتباط او با هنر پاپی که خود آن را بنیان نهاد و «فرهاد هرکه بود مرد بود» بیانه‌اش بود، هرگز قطع نشده است.

این‌بار اما پاپ تاولی از جنسی دیگر است، این‌بار «هیج» دارد. همان «هیچی» که اولین بار در گالری بورگز، هم‌زمان با تولد پاپ ایران به جامعه هنری ایران و سپس به جهان معرفی شد. در آن نمایشگاه تابلویی بود با پنجره‌ای مسی که پنجه‌های دو دست نیازمند آن را می‌فشرد و در بالای آن نوشته‌ای از نون، کلمه «هیج» را نشان می‌داد.

«اگر بتوان یکی از کارهای مرا مردمی خواند، باید از همین «هیج» نام برد. مردم هیچ‌ها مرا دوست داشتند و به‌راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کردند.»^{۱۱}

تاولی در کتاب «آتلیه کبودش» می‌گوید: «از آنجایی که تملک هیچ‌های برنزی برای مردم عادی میسر نبود، به‌فکر تولید انبوه «هیج» ارزشناقص افتادم.» او قالب‌هایش را نیز آماده می‌کند و مشتاق فروش هیچ‌های پلاستیکی در مغازه‌ها و سوپرمارکت‌ها و در نهایت تأسیس کارخانه «هیج‌سازی» و صدور آن به همه دنیا می‌شود. این‌ت فکر و حتی ایده به‌نمرننشسته آن را باید از مفهومی‌ترین افکار تاریخ هنر معاصر به‌شمار آورد. اما «هیج» در کنار تاولی به همان پویایی و استمرار به حیات خود ادامه می‌دهد. امروز نهم‌تا «هیج» مشهورترین اثر پرویز تیرانی است، بلکه معروف‌ترین و جهانی‌ترین اثر تاریخ مجسمه‌سازی ایران است. پرویز تاولی در مجموعه آثار «مشاهیر عالم»، برخی از نمادین‌ترین مشاهیر جهان را همنشین «هیج»‌اش کرده است. این‌بار به اعتبار هیچ تاولی، این مشاهیر دیده می‌شوند. هیچ با آنها می‌ایستد، نمی‌نشیند، هم‌آغوش می‌شود، هم بازی می‌شود و هر دو با همه شهرتی که دارند، به «هیج» می‌گروند.

پاپ، از آن چیزی سخن می‌گوید که در اوج می‌تواند از معنی تهی شود. دیگر مهم نیست که این یک قوطی سوپ باشد یا تاج ملکه انگلیس، مهم نیست مانو باشد، یا میک جگر، مرلین مونرو باشد یا ناصرالدین‌شاه قاجار. پاپ جشن به شهرت‌رسیدن است و سوگ پایان‌پذیرفتن. هیچ‌ها تاولی در این آثار در عین زیبایی و شاعرانگی، با رنگ‌های شاد و تند از اوج شهرت خیر می‌دهند. نشاندن هیچی که مشهورترین و مهم‌ترین واژه هنری امروز است، در کنار برخی از مشهورترین سیاست‌مداران، هنرمندان، فلاسفه و دیگران، به ما می‌گوید و قاطعانه و تلخ می‌گوید که ای بی‌خبران شکل مجسم هیچ است.^{۱۱}

نمایشگاه «مشاهیر عالم»، جشن پنجاهمین سالگرد پاپ در ایران و پاپ ایرانی در جهان است که خشت اول آن به دست تاولی نهاده شد و اتفاقاً پنجاهمین سالگرد «هیج» پرویز تاولی نیز هست. این نمایشگاه ارزش و اهمیت تاریخی دارد و یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخ هنر معاصر ایران به‌شمار می‌رود. آنچه در تابستان ۲۰۱۵ در تیت مدرن، در لندن، نمایش داده شد، اینچیا و برای نخستین‌بار برای مخاطب ایرانی به تکامل درمی‌آید و اتفاقی است که بی‌هیچ تردید از آن با افتخار یاد خواهد شد.

پی‌نوشت:

۱- کریدهای از نقد کیرم امامی با عنوان Popper «Tanavoli Turns» چاپ شده در کیهان انگلیسی در هشتم نوامبر ۱۹۶۵ (۱۳۴۴) با ترجمه مه‌ران مهاجر، برگرفته از مجموعه نقدهایی است که در دهه ۱۳۴۰، توسط زنده‌یاد کیرم امامی در روزنامه کیهان انگلیسی نوشته می‌شد و با اجازه گلی امامی (گردآورنده مجموعه) برای اینکاتالوگ، انتخاب شده است.
۲- کتاب مجموعه نقدها، توسط انتشارات نیلوفر در دست انتشار است.
۳- یکی از معتبرترین موزه‌های دنیا.
۴- The EY Exhibition: The World Goes East که از سپتامبر ۲۰۱۵ تا ژانویه ۲۰۱۶ برقرار بود.
۵- Martin Cook نوشته Maryam Eisler.
۶- چاپ شده در زبان فرنگی، مجموعه چاپ‌های پرویز تاولی و کتابی با همین عنوان، نوشته یاشار صمیمی مخفم برای بریتیش‌موزیم، ۲۰۱۵
۷- آتلیه کبود، نوشته پرویز تاولی، چاپ اول ۱۳۸۴
۸- همان.
۹- ریچارد همیلتون Richard William Hamilton (۱۹۲۲-۲۰۱۱) از پایه‌گذاران جریان اصلی پاپ
۱۰- نام به Alison and Peter Smithson در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۵۷
۱۱- آتلیه کبود، همان
۱۲- ای خبران از کیهان شکل مجسم‌هیج‌است / وین دایره سطح مخیم‌هیج‌است
خیم